

یادداشت



### مزایای کاهش فاصله نرخ ارز نیمایی و آزاد برای اقتصاد



اختلاف نرخ دلار نیما و آزاد طی دو سال اخیر تبعاتی را در پی داشته و متأسفانه سیاست‌های اعمالی طی سال‌های اخیر، شرکت‌های صادرکننده را مورد تنبیه قرار داد. در مقابل کسانی که رانت داشته‌اند، به‌راحتی اقدام به ثبت سفارش و واردات کرده‌اند. به بیان دیگر، از محل درآمد سهام‌داران شرکت‌های صادرکننده، رانت در اختیار واردکنندگان قرار داده شد. بنابراین می‌بایست هرچه سریع‌تر از تبعات این اتفاقات جلوگیری به عمل آید. دولت مصمم است فاصله نرخ دلار نیما و آزاد کاهش یابد. هرچند امکان دارد این اقدام در ظاهر باعث تورم شود اما کاهش فاصله این دو نرخ، رانت بسیار بزرگ موجود در کشور را حذف می‌کند و میلیون‌ها سهام‌دار از صادرات شرکت‌های صادرکننده که عمده‌ترین شرکت‌های حاضر در بورس هستند، منتفع می‌شوند. در این مدت از حق سهام‌داران، رانت قابل‌توجهی نصیب افراد خاص شده است. در این رابطه وزیر اقتصاد به رانت پنهان و تبعات اقتصاد آن توجه دارد. ضمن اینکه کاهش فاصله این دو نرخ چندان هم تورم‌زا نیست. کاهش آهسته و پیوسته اختلاف نرخ ارز نیما و آزاد و همراهی ارکان اقتصادی کشور، مهم‌ترین اقدام اقتصادی دولت به‌شمار می‌رود. این اقدام در یک ماه اخیر نه‌تنها حدود ۱۵ درصد از رانت توزیعی در کشور را کاهش داده، بلکه فاصله نرخ دلار و آزاد را کم کرده است. بنابراین ادامه این روند، زمینه کاهش بیش از پیش رانت را در کشور فراهم خواهد کرد. در این رابطه افزایش نرخ دلار نیما به ۵۵ هزار تومان، به نفع کل بازار سرمایه و اقتصاد است. مکمل این سیاست دولت، جهش تولید و مهار تورم از طریق بسترسازی در بازار سرمایه به‌منظور تحقق شعار سال خواهد بود. بازار سرمایه شاخص مهم و اصلی اقتصاد کشور به حساب می‌آید بنابراین مهم‌ترین وظیفه آن، فراهم‌سازی شرایط برای انتقال نقدینگی‌های سرگردان جامعه به سمت بخش‌هایی است که نیاز به تأمین مالی دارند.

زمانی که نقدینگی به‌سوی واحدهای تولیدی تزریق شود، این وجوه مازاد به سرمایه در گردش تبدیل شده و ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند. مهم‌ترین نقش بازار سرمایه اتصال وام‌دهندگان به وام‌گیرندگان و تأمین مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی و صنعتی در کشور شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد، بورس مهم‌ترین نقش را در رونق تولید کشور بر عهده داشته باشد. البته بازار پول نیز تا حدودی در این مسیر تأثیرگذار است. با توجه به اینکه تمدید تأمین مالی گذشته در بازار پول صورت گرفت، همیشه شاهد وجود خلأهایی در این زمینه بوده‌ایم.

به‌طور قطع، بازار سرمایه با کمک ابزارهای مالی متنوعی از نظر قانونی و عملیاتی که برای آن تعریف شده، می‌تواند این خلأها را در بحث تأمین مالی واحدهای تولیدی پُر کند. در سال‌های گذشته، افزایش سرمایه، تنها ابزار تأمین مالی بود اما در حال حاضر با معرفی اوراق صکوک، رشد تأمین مالی در بورس نسبت به بازار پول افزایش یافته است. با وجود این وقتی در سایر بخش‌های اقتصادی به نقش بازار سرمایه آن‌طور که باید توجه نمی‌شود، شاهد رونق نیاختن اوراق صکوک و موارد مشابه خواهیم بود. این درحالی است که طی ۱۰ سال اخیر، انواع ابزارهای مالی به‌بازار سهام معرفی شده و به دلیل تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در این باره هیچ‌گونه مشکلی وجود ندارد.

این ابزارها نقش بسزایی در گسترش بورس ایفا می‌کنند و بازار سرمایه ایران با وجود ابزارهای جدید می‌تواند وظیفه اصلی خود برای جذب سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه را عملیاتی کند تا از کارآمدی لازم در این زمینه برخوردار باشد. از طرفی بازار سرمایه برای جذب دوباره سرمایه‌گذاران نیاز به اعتمادسازی دارد. بنابراین راهکار مناسب این است که تمامی ارکان اقتصادی کشور تصمیمی جدی برای رونق بازار و بازگشت اعتماد سهام‌داران بگیرند. همچنین فرهنگ سرمایه‌گذاری نیازمند یک بینش سیستماتیک به بازار سهام است و نمی‌توان در بخش‌های مختلف صنعتی، اقتصادی و...، تصمیماتی اشتباه بر علیه بازار سرمایه گرفت.

فاصله نرخ نیمایی با قیمت ارز آزاد هر روز کمتر می‌شود

## سیاست جدید دولت در قبال نرخ ارز



دارند. طبیعتاً با چنین سیاستی سوددهی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

• **آیا سیاست تک‌نرخی کردن ارز در دستور کار است؟** ایجاد نظام ارز چند نرخی در بازار، به‌جز ایجاد رانت، هیچ نتیجه‌ای در بر نداشته است. تجربه سه دهه گذشته نیز کاملاً این موضوع را اثبات می‌کند. بنابراین داشتن نرخ دستوری در هر اقتصادی نه‌تنها به‌صورت عملیاتی کاربردی نیست، بلکه به مرور زمان از بین خواهد رفت. مانند ارز ۴۲۰۰ تومانی که در نهایت حذف شد. در دولت گذشته نیز نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را مینا قرار دادند که امروز آن نرخ نیز به بالای ۴۸ هزار تومان رسیده و به نوعی دو برابر شده است. در چنین شرایطی نمی‌توان در بلندمدت نرخ را به‌صورت دستوری تعیین کرد و قیمت‌گذاری باید از دل مکانیسم عرضه و تقاضا بیرون آید.

• **کاهش نرخ سود بانکی چه تأثیری بر خروج از رکود واحدهای تولیدی دارد؟**

کاهش نرخ بهره حقیقی که همان نرخ مؤثری است که تأمین مالی برای بنگاه‌های تولیدی و صنعتی را فراهم می‌کند، در طرح‌های توجیهی و اقتصادی یک عامل بسیار مهم به حساب می‌آید. به‌دست آوردن نرخ بهره‌ای کمتر از واقعیت موجود، تداعی کننده همان قیمت‌گذاری

تصمیم می‌تواند به کاهش رانت‌ها و دستاوردهای غیرمستقیم منجر شود. در خصوص مقرون به‌صرفه بودن استفاده از منابع ارزی برای طرح‌های توسعه نیز باید توجه داشت که اگر نرخ ارز در محاسبات طرح‌های توسعه‌ای توجیه اقتصادی نداشته باشد، مطمئناً صنایع و شرکت‌هایی که از این ارز بهره می‌گیرند، در کوتاه‌مدت به زیان دهی خواهند رسید؛ زیرا آن‌ها از یک فرصت ویژه بهره‌مند شده‌اند که نمی‌توانند در بازار رقابتی دوام بیاورند. به اعتقاد من، دستاوردهای این وضعیت شامل دو موضوع است؛ نخست، توجیه اقتصادی طرح‌های توسعه بر اساس نرخ ارز مبتنی بر عرضه و تقاضا در بازار آزاد و دوم، حذف رانت‌هایی که در این سیستم وجود دارد. این دو مسئله از اهمیت بسزایی برخوردارند.

• **این مسئله چه تأثیری روی بازار سهام می‌گذارد؟** مسلماً شرکت‌های صادرات‌محور و آراوُر با نزدیک‌تر شدن نرخ ارز نیما به ارز آزاد، پتانسیل افزایش رشد درآمد و سود خود را نشان خواهند داد. این موضوع در صورت‌های مالی آن‌ها منعکس شده و موجبات بهبود وضعیت آن‌ها را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، بیش از ۶۰ درصد از سود شرکت‌های بورس و فرابورس مربوط به بنگاه‌های تولید فولاد، پتروشیمی، پالایشگاهی، کانی‌های فلزی و غیرفلزی است که با نرخ ارز سر و کار

## احتمال عرضه دوباره خودرو در بورس کالا



می‌شود و تقاضاهای غیرمصرفی و سفته‌بازانه که هشت هزار میلیارد تومان تخمین زده شده، از این بازار خارج می‌شود.

#### بورسی شدن خودرو چه اثراتی دارد؟

نگاهی به معاملات ۶۸ هزار و ۲۱۵ دستگاه خودرو به ارزش ۴۱ هزار و ۵۶۴ میلیارد تومان در بورس کالا نشان می‌دهد که این حجم معامله با وجود آنکه محدود بود اما اثرات بسیار ارزشمندی در صنعت و بازار خودرو داشت و رقمی معادل ۱۵ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان سود به تولیدکنندگان خودرویی رسید که از قیمت‌گذاری دستوری رها شده بودند.

این خودروسازان موفق شدند محصولات خود را با نرخی بالاتر از قیمت دستوری و البته بسیار کمتر از قیمت‌های غیررسمی بازار با فروش برسانند. همین موضوع از عوامل اصلی تعادل بخشی به بازار خودرو در آن برهه زمانی بود. این در حالی است که معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان از ارزش کل معاملات خودرو به سود



**گفت و گو** کاهش فاصله نرخ ارز نیمایی با نرخ ارز آزاد تأثیرات چشمگیری بر اقتصاد و بازار سرمایه دارد. این سیاست، علاوه بر افزایش شفافیت در قیمت‌گذاری، می‌تواند به بهبود درآمد و سودآوری شرکت‌های صادرات‌محور کمک کند. با نزدیک‌تر شدن این دو نرخ، صنایع بزرگی همچون فولاد، پتروشیمی و پالایشگاهی که بیش از ۶۰ درصد سود شرکت‌های بورسی و فرابورسی را تأمین می‌کنند، از تغییرات به وجود آمده بهره می‌گیرند. در عین حال، حذف ارز چند نرخی و جلوگیری از رانت‌های ناشی از آن، به رقابت‌پذیری بیشتر و بهبود کارایی اقتصادی در سطح کلان منجر خواهد شد. این کاهش فاصله ارزی، از بروز مشکلات ناشی از قیمت‌گذاری‌های دستوری جلوگیری می‌کند و شرایطی را فراهم می‌آورد که شرکت‌ها به‌جای بهره‌مندی از برخی امتیازات رانتی، در یک بازار رقابتی واقعی فعالیت کنند. با حذف این قبیل رانت‌ها، شرکت‌ها ناچار به افزایش بهره‌وری و اصلاح عملکرد خود می‌شوند. این امر در نهایت تقویت تولید و رونق اقتصادی را در پی دارد. در این رابطه فردین آقا بزرگی، کارشناس اقتصاد و بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «آتی‌ه نو» به تحلیل این سیاست دولت پرداخته است.

• **سیاست جدید دولت در رابطه با کاهش فاصله ارز نیایی و آزاد چه تبعاتی برای کلیت اقصاد و بخش تولید کشور دارد؟**

موضوع کاهش فاصله ارز دولتی و ارز آزاد از خط مشی‌های آقای همتی و تیم اوست. هرچند برخی مخالفت با آن صورت می‌گیرد اما به اعتقاد بنده پذیرش واقعیت موجود به حساب می‌آید که به نوعی اجتناب‌ناپذیر است. در حال حاضر، نرخ ارز نیمایی که برای واردات کالا یا استفاده از منابع ارزی مورد نیاز تعیین می‌شود، به شکلی اجباری به برخی شرکت‌های صادرکننده تحمیل می‌شود تا ارز خود را در سامانه نیما عرضه کنند. این فرآیند، در عمل منجر به شکل‌گیری نرخ‌های پنهانی می‌شود. بنابراین پذیرش این وضعیت، تصویری واقعی از اقتصاد کشور به ما می‌دهد. این

#### گزارش

این روزها باز هم زمزمه عرضه خودرو

در بورس کالا بعد از یک‌سال ونیم به گوش می‌رسد. حجت‌الله صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در این زمینه گفت: «با جدیت به‌دنبال عرضه خودروهای صفر کیلومتر داخلی و وارداتی در بورس کالا هستیم و در این خصوص رایزنی‌هایی نیز صورت گرفته است.»

صیدی با تأکید بر اینکه هزینه مبادله، یک مبحث مهم در اقتصاد است که بورس کالا می‌تواند به کاهش آن کمک کند، افزود: «وقتی یک خودرو در کارخانه ۵۰۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد اما همان محصول در بازار و برای مصرف‌کننده ۸۰۰ میلیون تومان تمام می‌شود، یعنی با یک هزینه واسطه‌گری و نه هزینه معاملاتی مواجه هستیم. اینجا کارکرد بورس کالا می‌تواند با یک قیمت منصفانه محصول را مبادله کند.»

احمد نعمت‌بخش، دبیر انجمن خودروسازان ایران نیز با بیان اینکه این نهاد از عرضه دوباره خودرو در بورس کالا دفاع می‌کند، توضیح داد: «قیمت‌هایی که در بورس کالا برای خودروها کشف می‌شود، هم به نفع مصرف‌کننده است و هم به نفع خودروساز، چون این نرخ‌ها نسبت به بازار، پایین‌تر ثبت خواهد شد و در این مسیر خودروسازان ضرر نمی‌کنند و از سوی دیگر از نرخ بازار آزاد هم بسیار پایین‌تر است که مصرف‌کننده هم از محل آن بهره می‌برد.»

دبیر انجمن خودروسازان افزود: «تصمیم‌گیران و مدیران ارشد دولت چهاردهم می‌بایست از فروش خودرو در حاشیه بازار حمایت کنند و مانع عرضه خودرو از طریق بورس کالا نشوند.» نعمت‌بخش با اشاره به تجربه تنظیم بازار خودرو در سه دهه گذشته، ادامه داد: «در دهه ۷۰ زمانی که اختلاف قیمت بازار و کارخانه زیاد شد، شورای اقتصاد در سال ۷۳ مصوب کرد که خودرو در حاشیه بازار به فروش برسد که این موضوع تجربه قابل‌توجهی را برای کشور در عرضه خودرو رقم زد.»

بر همین مبنا، سال‌ها خودروها با نرخی منطقی به فروش می‌رسید، نمودارها نشان می‌دهد وقتی خودرو در حاشیه بازار به فروش برسد خودرو ظرف سه ماه تک‌نرخ‌